

مشركان داخل مسجد الحرام نشوند

۲۸ - يا ايها الذين آمنوا انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا وان خفتهم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء ان الله عليم حكيم .

: ای کسانی که ایمان آورده اید ، برآستی

مشركان (بت پرستان) پلیدند ، لذا نباید پس از گذشتن امسال (سال نهم هجرت) بسجد الحرام نزدیک شوند ، و هر گاه از نیازمندی خود بترسید (و متنوع بودن رفت و آمد مشركان موجب کساد کسب و کار شامشود) بزودی خدا شمارا اگر بخواهد از فضل و کرمش بی نیاز میسازد خدا دانا و حکیم است .

يك بحث لغوی

بررسی موارد استعمال کلمه « نجس » در زبان عرب ؛ حقیقت و معنای این کلمه را برای ما بیفزایند ، زیرا عرب این واژه را در موارد زیر بکار میبرد :

۱ - چیزهاییکه يك نوع پلیدی ذاتی دارند که خردمندان طبعاً از استعمال و ملاقات با آنها اجتناب مینمایند ؛ مانند : منی ، بول ، خون . . . عرب این سخن موجودات را « درجس » و ما آنها را « پلید » مینامیم .

۲ - دردهای درونی را که دیر درمان میپذیرد ، « نجس » میخوانند .

۳ - اشخاص پست و شرور را نیز ؛ با کلمه مزبور توصیف میکنند .

۴ - « نجس » در کتب دینی ، منامد چنانکه شاعر گفته است :

و الشیب داء نجیس لادواء له * للمراء ماکان صحیحاً صالب الفحیم

: « پیری يك درد پلیدیست که برای آن دارومی نیست ، برای مردیکه تند دست بوده ؛

و در نبرد و حمله های خود خطا کار نبوده است . »

باز موارد دیگری مؤلف « لسان العرب » برای این کلمه شمرده ، از ملاحظه مجموع آنها بدست می آید ، که معنای حقیقی این کلمه در زبان عرب ، وسیع تر از آنست که ما امروز از این کلمه می فهمیم ، زیرا آنچه ما امروز از این کلمه می فهمیم و بیشتر در آن بکار می بریم ؛ همان معنای اول است که بایک قذارت و پلیدی طبیعی همراه است ، و بیشتر در مکالمات روز مره خود این کلمه را در نجاسات شرعی بکار می بریم مانند مثالهای فوق .

ولی معنای ابتدائی و لغوی آن که قرآن نیز بر طبق آن نازل گردیده يك معنای جامع و وسیعی است که با تمام موارد فوق سازگار است که اگر بخواهیم از آن در زبان فارسی تعبیر بیاوریم بایست بجای آن کلمه « آلودگی » بکار ببریم خواه طبیعی و محسوس باشد مانند مثالهای فوق و خواه غیر طبیعی و نامحسوس باشد مانند « آلودگی » که در قمار و افراط و شرواست که تمام اینها يك نوع آلودگی و پلیدی مخصوصی دارند ، که از آثار و حرکات آنها کاملاً روشن است . از بیان فوق - چنانکه برخی نیز گفته اند - روشن میشود که این آیه دلالت ندارد که کافر ، « نجس » شرعی است بطوریکه در صورت ملاقات با رطوبت بایست دست را مثلاً آب کشید ؛ (بلکه مدرک نجاست کافر غیر این آیه ادله دیگری است که در « فقه » بیان شده است) .

علاوه بر این ، نجاستی که آیه برای کافر فرض کرده در برابر طهارتی است که برای مسجدا ثبات نموده و از این لحاظ میفرماید : این افراد پلید (مشرکان) نبایست باین محل پاک نزدیک شوند ؛ و از آنجا که مقصود از طهارت مسجد در این آیه يك طهارت معنویست که در برخی از اشیاء ، مانند قرآن موجود است ، ناچار بایست گفت مقصود از نجاست در آیه درباره کافر ، غیر نجاست طبیعی و یا شرعی است ، بلکه يك نوع پلیدی و آلودگی ، باطنی است که نوعاً در افراد ناپاک و شرور پیدا میشود .

مقصود از پلیدی کافر چیست ؟

همواره بایست از آثار و نحوه کردار هر کسی بملکات و صفات درونی او آشناسد ، شامزدان مسلح و غارتگر را « آلوده و نجس » میخوانید ، زیرا تار و ان شخص آلوده و دستخوش بیرحمی نباشد و روح او آلوده با حسب نفس و جاه و مقام نگردد ، هیچگاه این چنین کارهای ضد بشری از او سر نمیزند .

روی این مقیاس کافر پلید است؛ کسانیکه، جلونشر دعوت پیامبران و آموزگاران الهی را بگیرند؛ و نگذارند آن را در مردان الهی؛ جامعه را از انحطاط اخلاقی؛ و فساد اجتماعی برهانند و انسان را که گل سرسبدموجودات است، از سنگ و چوب پرستی، از زنا و فحشاء، ظلم و فساد، نجات دهند یک چنین افراد بطور مسلم پلیدند.

برنامه پیامبر اسلام دروش بود، و همه میدانند که آنحضرت و انبیاء یک سلسله مکالم و فضائل اخلاقی را در میان اجتماع نشر میدهند، و مشرکان بزرگترین سد برای رسول اکرم بودند و هرگز حاضر نبودند، یک قدم با رسول خدا همراهی نمایند، بلکه همواره مقدمات کشتن او را آماده مینمودند، و مکرر در مکرر پیمانهای خود را با آنحضرت میشکستند؛ در اینصورت این افراد نه شخصیت دارند و نه حیثیت، نه روان پاک و نه فکر آزاد.

کافر چرا «نجس» شرعی است؟

تا اینجا از نظر تفسیر بحث پایان یافت و روشن گردید که آیه ناظر بنجاست کافر نیست و مدرک نجاست کافر چیزی دیگر است؛ ولی بسیار مناسب است که در اینجا پرسش فوق را پاسخ بگوئیم زیرا بسیاری از جوانان سؤال فوق را، مطرح میکنند و از ما پاسخ میخواهند؛ آنان در مقام سؤال چنین میگویند:

اگر آئین اسلام، بول و مردارو... را نجس دانسته است، علت آن روشن است، زیرا اینها منابع میکرب و ریشه صدها بیماری است ولی کافری که از هر نظر ظاهر خود را شستشو داده و با انواع عطرها؛ خود را خوشبو کرده چرا بایست او را «نجس» خواند بطوریکه انسان اگر با او با طوبت ملاقات کند باید بدن خود را آب بکشد چرا مسلمان نتواند با او هم غذا شود و همچنین...

پاسخ: هر گاه آئین مقدس اسلام بت پرست و مشرک و مانند آنها را نجس شمرده و بنا بر آئین مشهور میان فقهای شیعه بایست از مطلق کافر حتی اهل کتاب اجتناب جست؛ نه برای این است که بدن و لباس و ظروف آنها کثیف و آلوده است و پلیدی مانند پلیدی بول و خون دارند؛ بلکه حکم شارع اسلام بنجاست این گروه (اگر چه بحسب ظاهر پاک و تمیز باشند) برای حفظ استقلال مسلمانان است

هر گاه مسلمانان با کافران اختلاط کامل پیدا کنند، و با آنان مانند برادران دینی خود آمیزش داشته باشند؛ در اینصورت روح بت پرستی و کفر بر اثر معاشرت کم کم در روح آنان نفوذ کرده و آنان را آلوده میگرداند.

جای شک نیست بسیاری از معمرات و گناهان در آئین فطنی اهل کتاب (مانند شرابخواری

بی اشکال است ، هر گاه مسلمانان آنانرا شرعاً پاک و طاهر بدانند و سر یک سفره نشسته و هم غذا کردند ، خواه ناخواه نفس سرکش که بر اسلام و ایمان تربیت یافته دومرتبه قوت گرفته شروع بمرزشکنی و هوسرانی مینماید .

اینگونه آمیزشها که طبعاً نتیجه آنها تحمیل عقاید ، وافکار است موجب میشود که مسلمانان صلابت واستقامت را در طریق آئین خود از دست بدهند .

البته ما منکر نیستیم که رابطه فرهنگی ، و تجاری و همکاری و همفکری با مردم متدین یکی از علل پیشرفت جامعه است ولی تمام اینها تا آنجا محترم است که لطمه ای بر اساس عقاید مسلمانان که رمز استقلال و عزت آنهاست نزنند .

جای دور نرویم ، اختلاط و آمیزش مسلمانان امروز با کافران و مسیحیان چه لطمه هایی بر مسلمانان زده و آنانرا تا چه اندازه در عقاید خود سست کرده است ، هنوز حادثه جانگداز «اندلس» در صفحه خاطرها ثبت است ، استقلال «اندلس» بر اثر سه قراداد زیر با مسیحیان ، در خطر افتاد و از بین رفت :

۱ - آزادی دین . ۲ - آزادی تجارت . ۳ - آزادی تعلیمات ، آنان خوب واقف بودند که بابدست آوردن امتیاز اول میتوانند راه را برای کشیشان باز کنند ، و مبلغان آنان هر گاه نتوانند در دل آنها جایی برای خود باز نمایند ، لااقل جوانان مسلمان را نسبت بآئین خود سست میگردانند ، و جهادیکه سرچشمه آن ؛ علاقه بدین است از بین میرود ، بالاخره رابطه بازرگانی ، بهترین وسیله است برای خلطه و آمیزش ، و بواسطه آمیزش مسلمانها با آنان ، استقامت خود را در راه حفظ شمار ملی و دینی از دست میدهند . آزادی تعلیمات نکته مهمتری داشت ، زیرا جوانان مسلمان هنگامیکه زیر دست آموزگار یادیبر مسیحی تربیت یافتند خواهی نخواهی یک نوع خضوع در برابر استاد ؛ حس مینمایند و زمینه برای تفوق و استعمار آنها آماده میگردد .

مسیحیان بر اثر آمیزش ، با مسلمانان اندلس توانستند مسکرات دامیان آنها رواج بدهند ، و آنانرا بعمیخوارگی و میگساری عادت دادند ، و کم کم بر اثر هوسرانی و آلوده شدن بگناهان عزت نفس و غرور ملی را از دست دادند .

یکی از اقدامات مسیحیان در «اندلس» این بود که در کنار رودخانه قرطبه باغی در میان مزارع ترتیب دادند و عمارت زیبایی در آنجا برپا کردند که گردشگاه جوانان باشد ، تا علاوه بر گردش از دیدن دختران مسیحی نیز بهره مند گردند . بدین ترتیب نیروی ایمان و غرور ملی مسلمانان اینکشور که تا آن زمان همجا

موجب پیشرفت و پیروزی آنان در جنگ با مسیحیان بود ، ، متدرجاً بر اثر میگزایی ،
 و تسلط آموزگاران به خضوع و فروتنی مبدل گردید ، پایتخت «اندلس» و سایر شهرستانها
 جولانگاه بیگانگان شد ، خلطه و آمیزش و آزادی تجارت نفوذ اقتصادی آنها را مسلم
 کرد ، و مقدمات نفوذ سیاسی پی ریزی گردید ، بالاخره این کشور پهناور اسلامی بر
 اثر همین ارتباطها و آمیزشها در اواخر قرن پنجم اسلامی بکلی سقوط کرد .
 بی جهت نیست که بنیان گذار اسلام میان مسلمانان و کافران که انحراف آنها در
 عقائد و اعمال هر دو مسلم است ، حصار کشیده و آنانرا از اختلاط های فوق العاده
 زیاد باز داشته ، تا آنجا که آنانرا روی سیاست اسلامی « نجس » و لازم الاجتناب
 خوانده است

کی نعمت سلب میشود؟

علی علیه السلام میفرماید : «ان لله عباداً یخصهم الله بالنعم
 لمنافع العباد فیقرها فی ایدیهم ما بذلواها ، فاذا منعوها
 نزعها عنهم ثم حولها الی غیرهم »

: خداوند بندگان دارد که برای رفاه بندگان دیگرش
 نعمتهایی در اختیار آنان میگذارد و مادامیکه از بذل این نعمتها
 فروگزاری نمیکنند در دست آنها باقی میدارد ، اما هنگامیکه
 (بوظیفه خود عمل نکردند) و از مردم دریغ داشتند از آنها میگیرد
 و بدیگران (که باین وظیفه عمل میکنند) میبخشد . ۱

«نهج البلاغه»